

اسباب نزول

و

نقش آن در تفسیر قرآن

دکتر سهیلا پیروزفر

با مقدمهٔ دکتر محمد علی مهدوی راد

سرشناسه	: پیروزفر، سهیلا، ۱۳۴۷.
عنوان قراردادی	: اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن / سهیلا پیروزفر.
مشخصات نشر	: مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، - به نشر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص.
فروست	: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، ۱۳۷۵.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۲ - ۱۷۰۳ - ۰ : ISBN : 978 - 964 - 02 - 1703 - 0
وضعیت فهرست نویسی	: کتابنامه: ص. ۳۰۷ - ۳۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: قرآن -- شأن نزول.
موضوع	: قرآن -- بررسی و شناخت.
موضوع	: تفسیر.
موضوع	: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ الف پ/۲ BP ۷۰/۲.
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۲.
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۲۷۷۰۲.



تألیفات مختلفه

۱۳۷۵

اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن

دکتر سهیلا پیروزفر

یا مقدمه دکتر محمد علی مهدوی راد

ویراستار علمی: دکتر سید محمد باقر حاجتی

چاپ اول / ۱۳۹۱

۲۰۰۰ نسخه / وزیری

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۲ - ۱۷۰۳ - ۰

حق چاپ محفوظ است

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد، سجاده، ابتدای جانباز جنوبی، ص. پ ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹ و ۹۱۳۳۵/۱۵۷ تلفن ۳ - ۷۶۲۵۰۰۱، شماره ۷۶۱۵۰۷۹

دفتر تهران: ۸۸۹۶۰۶۲۰، ۸۸۹۶۲۳۰۱، شماره ۸۸۹۶۵۹۸۲

آدرس اینترنتی: [www. Behnashr.com](http://www.Behnashr.com) پست الکترونیک: Publishing@behnashr.com

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۹	پیش‌گفتار
۱۵	فصل ۱ - کلیات
۲۳	فصل ۲ - اسباب نزول چیست؟
۵۱	فصل ۳ - اهمیت شناخت اسباب نزول
۸۹	فصل ۴ - فواید شناخت اسباب نزول
۱۷۷	فصل ۵ - روایات اسباب نزول: شبهه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۲۳۷	فصل ۶ - راه دستیابی به اسباب نزول
۳۰۹	کتاب‌نامه

مقدمه

قرآن کریم به تدریج و در درازنای بیست و سه یا بیست سال برای هدایت مردم و برکشیدن انسان به اوج قله‌های معرفت، کرامت و انسانیت نازل شده است. بی‌گمان آیات و سوره‌های قرآنی که مشتمل است بر صدها آموزه اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اخلاقی، اقتصادی و... در خلأ شکل نگرفته است و بدون توجه به فرهنگ زمان و اندیشه‌های مردمان روزگاران نزول و مواضع و حیات اعتقادی و فکری آنان بر بشر دوره نزول فروخوانده نشده است. بخش قابل توجهی از آیات در پی پرسشها و برای پاسخ به سؤالات و تبیین و توضیح خواسته‌ها، برشمردن چگونگی و چرایی پدیده‌ها و واقع‌ها نازل شده است. گویا تردیدی نیست که توجه به «اسباب نزول» در روشن ساختن ابعاد سؤال و جنبه‌های گوناگون پدیده، حادثه و واقعۀ شکل گرفته نقش مهمی دارد. کسانی که با متن در ارتباط هستند و در پی جستجوی فهم دقیق متن تلاش می‌کنند می‌دانند که از جمله مقدمات مهم دست‌یابی به هدف، دستیابی به «جهت بیانی» متکلم است و بدون اطمینان از جهت‌گیری بدیدارنده متن تکیه بدان دست کم نارواست، و اسباب نزول در اینکه بیشترین نقش را در برنمودن «جهت بیانی» سؤالات بازی می‌کند تردیدی نیست. علاوه بر این زدودن ابهام از چهره متن، روشنگری درباره مصداق‌های سخن و... است.

اکنون باید تأکید کنیم که سوگمنده حجم بسیاری از نقلیهایی مرتبط با اسباب نزول را به هر جهت و علل و اسبابی در اختیار نداریم و آنچه هست نیز نشانه‌های جعل و منع و کژفهمی و کج‌نگری و تطبیق‌های بی‌مورد پیداست؛ اما این همه مانع از تلاش مفسر برای فهم متن در جهت روشنگری جهت بیانی آن نخواهد بود.

پیشینیان ما به درستی به اهمیت اسباب نزول در فهم متن اشاره کرده‌اند. واحدی دستیابی به تفسیر آیه بدون توجه به سبب نزول را ناممکن تلقی کرده است، و شاطبی بی‌توجهی به اسباب نزول را زمینه ایجاد شبهه، اشکال و ابهام در متن دانسته است.

آنچه در این اظهارنظرها آمده است و افزون بر اینها در جایگاه «اسباب نزول» گفتنی و پذیرفتنی است، اندکی فراتر و ژرف‌نگرانه‌تر بگوئیم که «پیام قرآن فراتاریخی، فرازمانی و فرامکانی» است.

قرآن خود تصریح می‌کند که: و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین.

لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه.

و به روشنی فرازی آورد که:

و ما ارسلناک الا کافه للناس بشراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون.

و از سوی دیگر توجه به نزول تدریجی قرآن، و تأمل در اشاره‌ها، تصریحها، تبیینها و توضیحها درباره حدیث بگونه‌ای تاریخمند آموزه‌های قرآنی را رقم می‌زند، و این همه پرسش را در ذهن و زبان کسانی فرو می‌افکند که آیا آموزه‌های قرآن و تعالیم کتاب الهی در کمند «تاریخی آن» قرار نمی‌گیرد و این همه فرامین و مقررات قرآن کریم در حضار تاریخی بودن نمی‌افکند، به پندار یکی از بزرگترین نقضهای توجه و تأمل در اسباب نزول دستیابی به چگونگی بیان قرآن کریم است، که آن به نوبه خود نشانگر هدف والای قرآن در جهت هدایت و دست یافتن به اینکه «مورد» تنها رسالت «قالب» را برای بیان حقیقت دارد و صرفاً ابزاری است برای عرضه «هدایت».

به دیگر سخن اسباب نزول، شرایط زمانی، چگونگی مکان، ابعاد قصه و پدیده، ملازمات تاریخی مورد سخن را می‌نمایاند و مخاطب با تأمل در همه این موارد که «اسباب نزول» در اختیار وی می‌گذارد و با توجه به آهنگ فرازمانی و فراتاریخی قرآن «پیام» را از این ملازمات تجرید می‌کند و به محتوی پیام کلی و فرازمانی آن دست می‌یابد. و به واقع بر اساس کلام معجزگونه باقرالعلوم محمد بن علی (علیه السلام): القرآن یجری کما تجری الشمس والقمر و یکون علی الاموات کما یکون علی الاحیاء (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱).

چنین است که علامه طباطبایی نوشته‌اند:

قرآن از جهت انطباقش بر مصادیق و بیان چگونگی حال مصادیق گسترده است پس آیه اختصاص به مورد نزولش ندارد، بلکه در هر موردی که مورد نزول از نظر ملائک متحد باشد جاری است.

و روشن است که دستیابی به «ملاک» مورد نزول آیه جز با تأمل در اسباب نزول امکان پذیر نیست و یا حداقل مهمترین عامل دستیابی به «ملاک» مورد و جهت بیانی کلام متکلم است. «اسباب نزول و جایگاه آن در فهم متن و حد و حدود روشنگری آن درباره ابعاد آیات الهی و ژرفای پیام‌های کتاب الهی بسیار بیشتر از آن است که در این سطور گذرا به آنها اشاره شد. اکنون در پیشدیده ما و در اختیار قرآن پژوهان و جستجوگران معارف قرآنی پژوهشی ارجمند درباره «اسباب نزول» است که ابعاد گوناگون موضوع را کاویده و تلاش کرده است به برخی از پرسش‌ها مطرح در گستره این موضوع پاسخ گوید. تطوّر مفاهیم الفاظ در دستیابی به موضوعات و عناوین، نقش آفرینی شگرفی دارد و گاه عدم توجه بدان در پژوهش‌ها ناهنجاریهای مهمی در دستیابی به اهداف بوجود می‌آورد. در این پژوهش توجهی ملح شده است به «توسعه مفهومی اسباب نزول» و کاربردهای گوناگون نشانگر آن مانند «نزلت فی کذا» «حدیث کذا» و «فتزل الآیه»، نقادی فوائد نزولی که عالمان و پژوهشگران علوم قرآنی در سده‌های پیشین رقم زده‌اند و یا محققان معاصر بدان روی آورده‌اند نیز از جمله بحثهای شایسته توجه اثر پیش روست و نیز باید یاد کنیم از تلاش شایسته نویسنده در پاسخ‌گویی به پرسشها بویژه جاودانگی آموزه‌های قرآن کریم و فرایند توجه به «اسباب نزول» که به گونه‌ای نشانگر تاریخمندی آن است.

سرکار خانم دکتر سهیلا پیروفر این کتاب را به عنوان رساله دکتری با تلاش شایسته و تأملی درخور و در نوردیدن منابع و مصادر بسیار از میراث کهن و پژوهش‌های نو آئین عالمان رقم زدند. اکنون و پس از سالها تدریس، با بازنگری و بازنگاری بخش‌هایی از کتاب برای بهره‌گیری جستجوگران علوم قرآنی و معارف کتاب آسمانی و الهی به نشر آن ممت گماشته‌اند. امیدوارم این کتاب در ساحت پژوهش‌های قرآنی فروغی بیشتر هلد و جستجوگران معارف قرآنی را سودمند افتد. همچنین از خداوند متعال برای جستجوگران معارف قرآنی و شیفتگان آموزه‌های وحیانی و تلاش گران ساحت والای تعالیم آفتابگون و حقایق دریاوار و آموزه‌های زندگی ساز و سبیلی آفرین این کتاب آسمانی توفیق می‌طلبم، و امیدوارم نویسنده پرتلاش کتاب در گستره حقایق قرآنی به توفیقات بزرگی دست یابد.

والله من وراء القصد

دکتر محمد علی مهدوی راد

پیش‌گفتار

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هُوَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹)

قرآن بهار دلها، شای دردها، هرچشمه زلال دانشها، زداينده جهل‌ها و تاريخيها و استوارترين و ارجمندترين سند شناخت و معرفت است. پيامی جاودانه، و مشعلی فروزان است که در صفحه ذهن و صحنه زندگی مسلمانان پیش از هر کتاب دیگری حضور داشته و دارد.

قرآن فرمان الهی و قانون متقن، و برنامه استوار است که برای تنظیم زندگی انسان در معرض اندیشه‌ها قرار گرفته تا به حیات وی معنا دهد و به اندیشه‌اش نور بخشد و به اوج قله کمالش بنشاند. قرآن ثقل اکبر و بزرگ‌ترین یادگار رسول خاتم‌الپیغمبر و مایه هدایت و چراغ اندیشه در تمامی عصرهاست. قرآن در عرصه‌های گوناگون، جهانیان را به هم‌آوردی فرا خوانده و خود را معجزه جاویدان رسول خاتم‌الپیغمبر معرفی کرده است. مسلمانان برای راهیابی به کمال و هدایت، به تدبیر در قرآن توصیه شده‌اند و تلاش برای فهم کتاب خدا به تدوین «علوم قرآنی» انجامیده است.

علوم قرآنی به دانشهایی گفته می‌شود که مباحث کلی شناخت قرآن را تعیین می‌کند و پرسشهای گوناگون متعلق به قرآن و چگونگی آن را پاسخ می‌گویند، و می‌توان به گونه‌ای آن را پیش درآمد و پیش‌نیاز تفسیر و شناخت قرآن تعبیر کرد.

این نوشتار به بحث درباره یکی از مباحث علوم قرآنی، با عنوان «اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن» پرداخته است. پژوهش در این مبحث به دلیل حضور چشمگیر و پویا در میان تفسیرها و کتابهای علوم قرآنی و به دلیل اهمیت و ضرورت آن در علم تفسیر اهمیت دارد. به علاوه به دلیل ارتباط مستقیم با فضای نزول آیات و ترسیم زمینه‌های پیشین وحی، جایگاهی درخور دارد.

قرآن کریم به شکل جزء جزء و تدریجی طی بیست و اندی سال برای عموم مردم در تمامی اعصار و با هدف هدایت به صراط مستقیم بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. بعضی آیات به سببی خاص و پس از بروز رویداد و یا پرسشی نازل گردیده و بسیاری از آیات نیز ابتداءً و بدون سبب خاص نازل شده‌اند. به نظر محققان، در آن دسته از آیات که راجع به اشخاص، و رخدادهایی معین، یا زمان و مکان خاص نازل شده‌اند، دسترسی به معنای واقعی و چه بسا در مواردی فهم ظاهری آنها نیازمند آشنایی با فضای نزول است. البته این بدان معنا نیست که اسباب نزول موجب تخصیص آیه شریفه به همان مورد و عدم کاربرد مفهومی آن در دیگر موارد شود، بلکه درک سبب نزول در این جهت تنها به دریافت مفهوم و معنای آیات کمک می‌کند و زمینه تطبیق آن بر دیگر موردها و برداشتهای تفسیری را هموار می‌سازد.

اسباب نزول در این دسته از آیات برای مفسر امکان بازگشایی گره‌های تفسیری و ابهامهای مفهومی را فراهم می‌کند و راه برداشت صحیح را هموار می‌سازد، چرا که زبان عربی که از جمله برای وحی و تشریع انتخاب شده خود را به معنای حقیقی واژگان و اصطلاحها محدود نکرده و با استفاده از مجاز، استعاره، تشبیه، و... دایره معنایی خود را گسترش داده است. دایره مخاطبان وحی تنها به عرب زبان‌های عصر نزول محدود نشده و چون سخن در جایگاه‌های گوناگون معانی متفاوتی را افاده می‌کند، برای فهم درست سخن، تشبیه‌ها و مجازها، شناخت جهت بیرونی و قراین، لازم می‌نماید. از این رو در دانش بلاغت، بیشترین تکیه را بر معرفت مقتضای حال می‌کنند، چه در وقت خطاب و چه از منظر گوینده و مخاطب و نیز از ناحیه نفس خطاب و ویژگیهای نزول و مکان زمان نزول آیات الهی و فضای حاکم بر آن، همانند قراین و نشانه‌هاست که فهم معنای حقیقی و تمیز آن از مجاز را ممکن می‌سازد. به باور بسیاری از دانشمندان یادشده انگاشتن اسباب نزول تحیز و سردرگمی را در مقام برداشت و انحراف از هدفهای تفسیر به دنبال خواهد داشت.

اسباب نزول در نوشتار حاضر به معنای شناخت و آگاهی از موقعیت زمانی، مکانی، فردی، اجتماعی، و دیگر زمینه‌هایی است که نزول آیه یا بخشی از آیه‌ها را سبب شده است. پیشینیان زیر این عنوان هر آنچه از وقایع و حوادث و دیگر امور مرتبط با آیه را مطرح کرده‌اند. این مبحث در قلمرو علوم قرآنی، دانشی است مستقل و دارای پیشینه‌ای کهن، که به نظر می‌رسد کتاب «اسباب نزول القرآن» علی بن محمد واحدی نیشابوری

(م ۴۸ق) اولین اثر در دسترس در این موضوع است. وی برای ۵۹۹ آیه، روایت اسباب نزول آورده است. دانشمندان کتابهایی با عنوانهای «النزول» و «التزیل» به تویستندگانی از دوره‌های پیش از وی نسبت داده‌اند، اما آنچه اکنون در میان قدیمترین آثار، پیش روی ماست و می‌توان متن آن را واکاوی کرد، کتاب «واحدی» است گرچه بسیاری از روایاتی که او در این کتاب آورده است با سندی مشابه در تفسیر طبری آمده است.

قرآن پژوهان به گستردگی در باب فواید این علم در تبیین آیات الهی سخن گفته‌اند. در این میان برخی با گردآوری روایات اسباب نزول از بررسی نقادانه آن پرهیز کرده‌اند، گرچه در گزینش آثار، اجتهاد کرده‌اند و نمی‌توان تأثیر گرایشهای فکری و فرقه‌ای را در نقل روایات نادیده گرفت به عنوان مثال طبری که بیشتر روایات اسباب نزول را گرد آورده است برای سوره «هل آتی» سبب نزولی نیاورده است در حالی که مطابق روایات سبب نزولی که واحدی، سیوطی، فخر رازی، بغوی، زمخشری، و بسیاری دیگر گزارش کرده‌اند آیاتی از این سوره درباره علی بن ابی طالب، فاطمه زهرا و علی نازل شده و الگویی از مرد و زنی مسلمان معتقد به انفاق و بذل مال ارائه می‌دهد.

بسیاری از بزرگان بر اندک بودن روایات صحیح در اسباب نزول و لزوم توجه به سند و متن آن تأکید کرده‌اند. دانشمندان فقه، لغت، تاریخ، تفسیر و حدیث به این نوع روایات توجه نشان داده‌اند. آثار و اخبار اسباب نزول را می‌توان در کتابهای تفسیر، تاریخ، سیره‌ها، تاریخ غزوه‌ها و حدیث به شکلی چشمگیر یافت.

بحث اسباب نزول و جایگاه آن در کلام جدید اسلامی نیز راه یافته است و در آن راجع به پیوند آموزه‌های قرآن با آگاهی عادات و رسوم به طور کلی و فرهنگ مردمان عصر نزول بحث می‌شود. برخی از نقش محیط در شکل‌گیری نص سخن می‌گویند و بر این باورند که اگر قرآن در مکانی دیگر نازل می‌شد، طبعاً در استدلالها و تفهیم موضوعها مثلاً از شتر که حیوان بسیار آشنای شبه‌جزیره است بهره نمی‌گرفت، و برخی دیگر پا را فراتر نهاده معتقدند، احکام اجتماعی و سیاسی اسلام برآمده از فرهنگ اجتماعی و سیاسی عصر نزول است و باید با گذر به عصر توسعه و تحولات بنیادین نهادهای، به طور پایه‌ای مورد تجدید نظر قرار گیرد و به بهره‌گیری محدود از آن قائل شده‌اند. بسیاری دیگر معتقدند قرآن در دعوت خود شرایط اجتماعی و چگونگی‌های سیاسی و اجتماعی و... را مراعات می‌کند تا در ابلاغ حق و گسترش پیام از آن بهره گیرد. این اندیشه به قرآن به عنوان عاملی دگرگون‌ساز می‌نگرد که با عنایت به ظرفیتهای اجتماعی و فرهنگی و...

خاستگاهش وحیانی است. پیام آیه بر اساس شرایط و فضای خاصی در جامعه اسلامی شکل گرفته و قرآن در شکل استدلال خود از همان سیره عقلا در تفهیم مطلب و زبان مخاطب استفاده کرده است. باید دانست که اعتقاد به تأثیر اسباب نزول در تفسیر آیات به معنای مسدود ساختن راه اندیشه و تفکر در زمینه آن آیات و توجه به سطحی‌نگری و محدود اندیشی نسبت به پیام آن نیست، بلکه در کنار بهره‌بردن از تمامی ابزارهای علمی و عقلی موجود در زمینه تفسیر، باید به اسباب نزول به عنوان ابزاری کارآمد و مؤثر نگریست و نارساییهای ناشی از تأثیر امور جانبی درباره اسباب نزول را مانع تأثیرگذاری این دانش بر فهم و تفسیر آیات ندانست.

به دور محققان یگانه راه دستیابی به اسباب نزول، نقل و روایت است از کسانی که در زمان حیات پیامبر ﷺ از نزدیک شاهد نزول وحی و آگاه از خصوصیات آن بوده‌اند، یا از کسانی که به زمان نزول نزدیک بوده و زمینه‌های نزول قرآن را فرا گرفته بوده‌اند و می‌توانسته‌اند بیان دارند که هر آیه و یا سوره به مناسبت کدام رخداد فرود آمده است. بررسی روایات در این زمینه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از آنها، از طریق اهل سنت به دست ما رسیده و البته همگی مستند و صحیح نیستند. بسیاری از ناقلان نه سماعی از پیامبر ﷺ داشته‌اند تا گفته ایشان حمل بر دریافت مستقیم از آن حضرت ﷺ شود و نه فراین و احوال زمان نزول را مشاهده کرده‌اند تا دست کم به طور نسبی از خطا و اشتباه در دریافت و انتقال مصون مانده باشند.

در اواخر قرن اول، با فاصله گرفتن اندیشه‌وران اسلامی از حوزه اندیشه معلّمان واقعی یعنی اهل بیت ﷺ به تدریج زمینه رسوخ و نشر افکار و یافته‌های اهل کتاب در برخی حوزه‌های تفکر اسلامی فراهم‌تر شد. از جمله مهمترین عوامل رسوخ و راهیابی افکار بیگانه و ناروا، ضعف فکری مردم آن زمان، از درک و شناخت اسباب نزول و مبدأ و علل آفرینش و اسرار وجود و نیز شناخت حقایق مرتبط با مجموعه رخدادهای هستی، شیوه ایجازگویی قرآن در بیان مطالب و در بسیاری موارد بدون بیان جزئیات وقایع در بسیاری موارد، و عامل زمان و مکان، باعث شد بسیاری از مردم پس از عصر نزول کنجکاوانه و حریصانه به دنبال جزئیات وقایع بگردند. این گمان که نقل مطالب غیر مستند و یا مستند به منابع ضعیف و غیر اسلامی در حوزه علوم قرآن، ضرری به عقاید و احکام و مسائل خاص اعتقادی اسلام نمی‌زند، در نتیجه محتاج به دقت و بررسی و احتیاط بیشتر در نیست، به روحیه تسامح و تساهل در پذیرش روایات ضعیف دامن زد و مانع از دقت و

احتیاط در شناخت اخبار و تمیز عقاید درست از نادرست گردید. انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، حزبی و نیز تعصبات گوناگون را نیز باید بر این عاملها افزود.

شرایط خاص سیاسی و فرهنگی در قرن اول و سیاست منع از کتابت حدیث، باعث شد روایان به گونه‌ای غیرمکتوب و سینه به سینه به انتقال محفوظات خویش بپردازند و همین منجر به نقل به معنا گردید و در هر مرتبه نقل، ناچار تغییرات و افزوده‌ها (یا کمی و کاستی‌ها) بدان راه یافت.

وجود نقل‌های متضاد و متفاوت، حتی از یک راوی و درباره یک آیه، نشان از گستردگی و شیوع نقل به معنی در حوزه روایتهای اسباب نزول دارد. از سوی دیگر روایان که خود شاهد نقل نزول و رخدادهای مرتبط با آیه‌ها و سوره‌ها نبود، در بسیاری از جاها بر اساس پیوند و مشابهت ظاهری که میان مفاد و مضمون آیه با آن رخدادها ذکر سبب نزول را ذکر می‌کردند. روایات متضاد و گاه مخالف با سیاق آیه نشانگر دخالت اجتهادگونه در تطبیق وقایع با آیات است. تعارض میان روایات متعدد، محققان را بر آن داشته است که به بحث از چگونگی حل تعارض بپردازند. اعتبار سند، صراحت تعبیر به کار رفته، و حضور راوی به هنگام نزول آیه را از ملاکهای عمده داوری و ترجیح میان روایات متعارض دانسته‌اند. برخی از محققان، هر گاه نتوانسته‌اند روایتی را بر دیگر روایتها ترجیح دهند به تعدد اسباب قائل گشته و در صورت عدم امکان این فرض مدعی تکرار نزول شده‌اند.

می‌توان گفت از آن جهت که اجتهاد در تطبیق روایات و تأثیر کاربرد «نزلت فی...» در تطبیق اسباب نزول را نمی‌توان نادیده انگاشت، می‌توان صحت و سقم بسیاری از روایات را تشخیص داد و با بررسی‌های تاریخی، و از طریق سیاق آیات، روایات معارض را کنار گذاشت. در این میان دانشمندان، عقل، اجماع، مطابقت با آیات الهی، سیره معصومان، و عصمت پیامبر اکرم (ص) را ملاکهای دیگر این نوع روایات ارزیابی کرده‌اند.

کتاب حاضر در اسفند ۱۳۸۴ به عنوان پایان نامه دکتری علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تربیت مدرس تهران دفاع شد که با انجام تغییراتی توسط مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر به چاپ رسیده است.

این نوشتار تلاشی است بسیار ناچیز در فرا راه عظیم قرآنی با هدف و تبیین یکی از مسائل مهم با قرآن کریم که در واقع یکی از آیات الهی محسوب می‌شود و رفع اشکال و انتقادات مربوط به بعضی از آراء تفسیری گشودن عرصه‌های گسترده و ضابطه‌مند در

تفسیر آیات الهی تبیین طراوت حیات جاودانه و پویای قرآن.

نگارنده مدعی به انجام رساندن هدفهای مورد نظر خویش نیست بلکه ضمن بازگویی و نقل آراء و افکار پیشینیان و پسینیان، گاه به بررسی و نقد آن پرداخته و در این مسیر به نتایجی دست یافته که به اعتقاد ما به گشودن افقی جدید در فهم مقاصد آیات آسمانی کمک می‌کند.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات و تلاشهای استاد بزرگوار دکتر مهدوی‌راد که از راهنمایی و هدایت و نکته‌سنجی‌هایشان در زندگی تحصیلی‌ام بهره‌مند بوده‌ام و با فراهم نمودن برخی منابع، به بارور شدن این تحقیق کمک نمودند تشکر و قدردانی کنم.

وما توفیقی الا بالله العلی العظیم

سهیلا پیروزفر